

مراحل شاخص مشاوره مسیحی
مرحله سوم: اهداف پایانی
فصل چهارم

**Critical Stages of
Biblical Counseling**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه کتاب "مراحل شاخص مشاوره مسیحی" است. این کتاب شامل بیش از سی فصل می باشد و انتشار تمام کتاب بصورت یک فایل اینترنت خردمندانه نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب، آشنائی بیشتری از مراحل عملی اجرای کلام خدا بدست آورند. شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "متقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فهرست

مقدمه

مرحله اول آغاز کار

مرحله دوم گشایش

مرحله سوم اهداف پایانی

مرحله سوم

فصل چهارم

پایان در نقش انتقال

مشاوره مسیحی جزء خدمات حفاظت و انضباط کلیسا است و باید شامل هر دو باشد. زمانی که متقاضی از خدمت مشاوره مسیحی خارج می شود، نباید زمانی باشد که از خدمات تعلیم و انضباط کلیسا نیز خارج گردد. بعکس، باید به جانب همین خدمات کلیسایی "انتقال" یابد. و این خدمات را که شامل موعظه های هفتگی کلام، شاگرد سازی توسط گروه های کوچک، نیکوکاری اعضای کلیسا به یکدیگر، و غیره، صورت می گیرد را نیز خدا به منظور خواست خود استفاده خواهد کرد. نتیجتاً پایان مشاوره را باید همیشه شامل انتقال هموار متقاضی به مسیر خدمات حفاظتی و انضباطی کلیسایی که عضو آن می باشد ساخت.

البته بطوری که قبلاً گفته شد، زمانی را که متقاضی در مشاوره می گذراند خارج از خدمات حفاظتی کلیسایی نیست. در حقیقت اگر چنین خدمتی ضعیف باشد یا متقاضی خود را از آن کنار می کشاند، مشاور مسیحی باید سعی بکند او را زیر پوشش آن قرار بدهد. مشاوران باید بیاد داشته باشند که نباید از گرد آمدن با یکدیگر دست بکشیم:

عبرانیان ۱۰

۲۵: و از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم - بخصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستید

هر چه در خدمت مشاوره خود انجام می دهیم تنها شامل، مکمل، و تحکیم کننده خدمات عمومی کلیسا است.

اما متقاسفانه در بعضی کلیسا ها خدمات عمومی کلام، ضعیفتر از آنچه در مشاوره مسیحی انجام می گیرد است (جوانب عملی کلام نادیده گرفته می شود). در چنین صورتی مشاور (فرض بر این است که جزء خادمین کلیسای متقاضی نیست) خودش لازم است خوراکی که پشتوانه خدماتش را فراهم می سازد به او بدهد (۱). در موقعیت های خاص، وضع ممکن است بقدری اسفناک باشد (بعنوان مثال، انضباط کلیسا را بطور کامل اجرا نمی کند و به این شکل خود را فاقد عنوان کلیسای حقیقی مسیح اعلام می کنند) که مشاور مجبور شود متقاضی را به کلیسای دیگری انتقال دهد. این کار نیز یقیناً برای همه پر مخاطره خواهد بود. با این حال، اگر کلیسای متقاضی حاضر به انجام مسئولیت های خود نیست، و کمکی که مشاور در این زمینه می تواند بکند را رد کند، مشاور چاره دیگری جز پیشنهاد تغییر کلیسا را به متقاضی نخواهد داشت (۲). این موقعیت بسیار دردناکی است، چون تاثیر نابهنگام و ناگواری بر کلیسای قبلی متقاضی خواهد گذاشت (و حتی باعث تلاقی گری کلیسا ها می گردد)، و به این دلیل نیاز به سنجش دقیق دارد. و از جانب دیگر، کلیسایی نیست که خود را مجری کلام خدا نداند. انضباط کلیسا جزء خصوصیات پر قدرت خدا در امر حفاظت و پاکسازی است، خصوصاً در رابطه با زندگی زناشویی. در مواردی که با مخالفت و تعویق اجرای کلام خدا روبرو می شوید، و تنها در چنین صورتی، چاره نخواهید داشت این راه را آغاز ننمائید.

وقتی پایان را در نقش انتقال می نگریم، بگونه ای که باید باشد، فرق بزرگی را در برآورد زمان اتمام جلسات مشاهده می کنیم، و طریق اجرای اتمام جلسات را در پرتو آن می بینیم. با

متقاضی خدا حافظی نمی کنیم، بطوری که رابطه ما با او قطع می گردد. مشاور حکیم، سعی خود را باید در راه انتقال هموار و صحیح متقاضی به جانب دستان "لایق" کلیسایش بکند. اگر مشاور جزء خادمین کلیسای متقاضی است، این انتقال جزئیات زیادی ندارد و طبیعتاً جز نظارت بر جریان انتقال و ادامه آموزش هائی که بدست آورده، کار عمده دیگری را شامل نمی باشد (۳). اما، بسیاری از متقاضیان عضو کلیسا و جماعات مسیحی دیگری هستند (۴). بطوری که قبلاً گفته شد، در چنین مواردی لازم است متقاضی از هیئت مدیره آن کلیسا بخواهد کشیشی را همراه متقاضی به جلسات مشاوره بفرستد تا همه از جریان مشاوره با خبر باشند. وجود چنین حضار، نشانه همدلی کلیسایش را با متقاضی نشان می دهد، و در رابطه با مرحله پایانی مشاوره، امکان بیشتری برای برقراری انتقال هموار به دستان کلیسایش را فراهم می سازد.

معمولاً در صورتی که متقاضی عضو کلیسای دیگری است، مشاور اتمام جلسات را زودتر از مواردی که خود مجری پایان می باشد به اتمام می رساند، چون قسمتی از کار های مرحله پایانی مشاوره را به کشیشی که در جلسات حضور داشته می سپارد. توجه داشته باشید که قبلاً صحبت از اهداف پایانی شده و لزوم ایجاد طرح و برنامه خاص این اهداف نیز منعکس شده است. برنامه مربوط به اهداف پایانی را باید همراه متقاضی و کشیش کلیسایش طرح نمود تا انتقال و ادامه آموزش کلیسایش بگونه هموار صورت بگیرد.

وقتی متقاضی را به دست کلیسا و کشیشان آن می سپارید، باید همراه برنامه کاملی از آنچه لازم به اجرا است را نیز فراهم کرده باشید. نه تنها لازم است تکالیفی برای هفته ای که آغاز می گردد به او داده شود، بلکه کشیش همراه نیز (که حال نقش مشاور را عهده دار شده است) باید بداند چه کارهائی را باید انجام دهد. به عبارت دیگر، مشاور باید با کشیش متقاضی جلساتی را برای خط مشی آینده ترتیب دهد، و همچنین خود را در آینده برای مشورت های حضوری و یا با تلفن در اختیار او قرار بدهد. در صورتی که احتمالاً وضعیت به جایی که غیر قابل کنترل است برسد نیز باید امکان بازگشت هر دو را به جلسات بدهد.

زمان انتقال به دستان کلیسا نیز از اهمیت زیادی برخوردار است، و معمولاً در دوره سکونت و ریشه دوانی (مرور آنچه بدست آمده همراه آیاتی که مربوط به آن بوده، و استفاده ای که در آینده می توان از آن کرد) واقع می شود. باید مسائل و وسوسه هائی که ممکن است متقاضی با آن روبرو گردد را نیز در این مرحله بررسی کرد تا امکان صدمات به او را از میان برد.

اما انتقال ها همیشه هموار نمی باشند. ممکن است متقاضی نخواهد جلسات را ترک کند و به کلیسایش روی آورد. در چنین صورتی مشاور باید دلیل این "وابستگی" را بجوید. امکانات بسیارند، و توجه به اهداف مرحله پایانی، به بیشتر مسائل رسیدگی خواهد کرد. امکانی نیز هست که متقاضی بخواهد موضوع دیگری را قبل از انتقال رسیدگی نماید. اگر این موضوع مسئله جانبی است که فکر می کنید او خود توانائی رسیدگی به آن را دارد (بطوری که در فصل قبلی به آن اشاره کردم)، دلیل آنکه چرا فکر می کنید توانائی رسیدگی به آن را دارد و چه سودی را از این کار بدست خواهد آورد را به او باز گو کنید. همچنین می توانید از فیلیپیان ۲: ۱۲ و ۱۳ استفاده کنید تا او را در جریان کاری که خدا از طریق کلیسایش می خواهد انجام رساند کرده باشید:

فیلیپیان ۲ (۵)

۱۲: پس ای عزیزان، همان گونه که همیشه مطیع بوده اید، نه تنها در حضور من، بلکه اکنون بسی بیشتر حتی در غیابم، نجات خود را ترسان و لرزان به عمل آورید؛

۱۳: زیرا خداست که با عمل نیرومند خود، هم تصمیم و هم قدرت انجام آنچه را که خشنودش می سازد، در شما پدید می آورد

اما از طرفی ممکن است مسائلی وجود داشته باشند که متقاضی تا آخر کار پنهان نگاه داشته است. دلیل چنین کاری نیز ممکن است در هر مورد فقر داشته باشد. ممکن است متقاضی تصمیم گرفته بوده مسائل دیگری را ابتدا عنوان کند تا ببیند چگونه عمل خواهید کرد. ممکن است خجالت می کشید آن را عنوان کند و ترس از گناهی داشت که پنهان شده است. پس از آنکه عملکرد شما را در مقابل مسائل دیگر مشاهده کرد و دید که حکمت خدا در شما است، رضایت داده مسئله را پیش روی شما افشا کند. ممکن است این اقدام او آخرین امیدی بوده که در مقابله با گناهش داشته است. اگر چنین باشد شما دارای مسئله دیگری شده اید که باید با آن روبرو بشوید.

در چنین زمانی باید تصمیم بگیرید، یا به جلسات ادامه دهید یا او را به مشاور دیگری بسپارید. اگر ادامه دهید از مزیت هائی که در دست دارید استفاده می کنید، چون رابطه آموزنده ای را با او داشته اید، و می دانید چگونه رفتار می کند و ظرفیت او تا چه اندازه است. اما از جانب دیگر، ممکن است محیط و شخصیت تازه دیگری (کشیش یا شیخ کلیسای او) دقیقاً همان باشد که نیاز دارد؛ ممکن است شناختی که از شما دارد عادت شده و مبتذل گشته اید، و یا به شما وابستگی پیدا کند. ممکن است وقت را به متقاضی دیگری سپرده اید و نمی توانید به مسئله ای که تنها در مرحله پایانی ظاهر شده بپردازید. اگر تصمیم گرفتید که ادامه ندهید، لازم است دلیل آن را به او بگوئید. در نتیجه آنچه اهمیت زیادی دارد، انتقال متقاضی به دستان کلیسایش می باشد. شما همیشه موفق به این کار نخواهید بود؛ مورد غیر قابل پیش بینی در طول جلسات پیش می آیند که انتقال را نه تنها ناهموار می کنند بلکه در مواردی غیر ممکن می سازند. در چنین شرایطی چاره ندارید جز آنکه به دست خدا بسپارید. آنچه شما با فیض او نمی توانید انجام رسانید را او بدون شما می تواند انجام دهد (اگر بگذارد). اما آنچه موضوع این فصل می باشد ”انتقال“ است، که باید در نظر خود داشته باشید.

فهرست زیر نویس های فصل چهارم

(۱) مشاور همه کار ها را نمی تواند بکند. اگر لازم شد چنین کاری را بکند، باید سعی داشته باشد متقاضی وابسته به او نگردد. با وجود آنکه متقاضی ممکن است سعی کند آنچه کلیسایش توانائی ارائه آن نیست را از مشاور بدست آورد، مشاوره مسیحی بخاطر محدوده مکتبی که دارد نمی تواند جای کلیسا را بگیرد.

(۲) برای بحث بیشتری راجع به کلیسا های غیر حقیقی به کتاب من ”راهنمای انضباط کلیسا“ Handbook of Church Discipline مراجعه کنید.

(این کتاب تا بحال به زبان فارسی ترجمه نشده است)

(۳) مانند کلاس های شرح یا تفسیر کلام خدا، زندگی مسیحی، و غیره.

(۴) به فصل دهم نیز رجوع کنید.

(۵) این آیه صحبت از نجات ابدی نمی کند. اعضای کلیسای فیلیپینی نجات را بدست آورده بودند. ”نجات“ در این آیه مربوط به گذار از مسئله مشکلی است، که همراه با پیروزی بدستشان خواهد آمد (همچنین به آیه فیلیپیان ۱: ۱۹ توجه نمائید). پولس صحبت از حل مسئله عدم اتحاد میانشان را می کند، و می گوید می توانند خودشان، بدون کمک از پولس (آیه ۱۷) آن را حل کنند. در فیلیپیان ۲: ۱۳ خدا ما را یادآور این حقیقت می سازد که هیچ وقت تنها نمی باشیم؛ خدا همیشه حضور دارد و ما را زمانی که می خواهیم خواست او را بجای آوریم قدرت می بخشد. این موضوع را باید تاکید کرد. خدا جز به او و کلیسایش، به کسی نمی خواهد وابسته باشیم.